

آیا پیامبران از خود ارث نمی‌گذارند؟ داوری متسران در این موضوع

خلیفه وقت برای بارداری دخست پیامبر گرامی از ترکه پدر، به حدیثی نیکه می‌کرد که مفاد آن در نظر خلیفه این بود: پیامبران چیزی از خود به ارث نمی‌گذارند، و ترکه آنان پس از درگذشتنشان، صدقه می‌باشد.

ما پیش از آنکه، متن حدیثی را که خلیفه به آن استناد جسته، نقل کنیم، لازم است این مسئله را از دیدگاه قرآن مطرح نماییم زیرا قرآن عالیترین محسب برای شناسایی حدیث صحیح از حدیث باطل است و اگر قرآن این موضوع را تصدیق نکند نمی‌توانیم چنین حدیثی را (هر چند خلیفه ناقل آن باشد) حدیث صحیح تلقی نماییم بلکه باید آن را زائده بنیاد ناقلاً و جاحلاً نقل بدانیم.

از نظر محاسبات اجتماعی، استنشاء فرزندان و یا وارثان پیامبران از اموال آن‌ها، بسیار بعید به نظر می‌رسد، و تا دلیل قاطعی که بتوان با آن آیات ارث را تخصیص کرد، در کار نباشد، قوانین کلی قرآن در باره همه افراد و حتی فرزندان و وارثان پیامبر حاکم و نافذ است.

انسان با خود چنین فکر می‌کند و می‌گوید چرا باید فرزندان پیامبران ارث ببرند، و با درگذشت آنان فوراً اراثت خانه و لوازم زندگی و خانه سکونی از آنها باز گرفته شود؟ چرا باید چنین کرد. مگر وارثان پیامبر، مرکب چه‌گانه‌هایی شده‌اند که پس از درگذشت پیامبران، فوراً باید همان‌ها را خالصاً و آشیانه بیرون گردند؟

با این که عقل و خرد بحیرو نیست

وارثان پیامبران را از ارثیه آنان، یک کار بسیار بعید می‌شمارند، ولی اگر از نظام وحی دلیلی قاطع و صحیحی پیدا برسد، و بگوید پیامبران چیزی از خود به ارث نمی‌گذارند و ترکه آنان طی اعلام می‌گردد، در این صورت ما باید با کمال تواضع حدیث صحیح را بپذیرفت و استبعاد عقل را نادیده گرفته و اراثت را به وسیله آن تخصیص کنیم. ولی جان من این‌جا است گدایا چنین حدیثی از پیامبر وارد شده است! برای فاسطاتی صحت حدیثی که خلیفه نقل می‌کرد راه روشن این است که ضمن حدیث را بر این قرآن عرضه داریم و در صورت تصدیق پذیرفته، و در صورت تکذیب باید آن را رد و انکار کنیم.

وقتی به آیات قرآن مراجعه می‌کنیم می‌بینیم که قرآن در دو مورد از وراثت فرزندان پیامبران سخن گفته و وراثت‌گذاری آنان را یک مطلب مسلم گرفته است. **آیات قرآنی که بر این مطلب گواهی می‌دهند**

و انی خفت العوالی من وراثتی و کانت امراتی عاقراً فقیب لی من لدنک ولیا یورثنی و یرث من آل یعقوب و اجعل رب رضیا [سوره ترمیم آیه ۵-۶]

من ار (پسر منوها) پس از درگذشت خویش منی ترسم زن من ناراست، و بر از فرزند خویش فرزندی عطاکن که از من وارثان بدان یعقوب ارث ببرد. پیروزگار او را پسندیده فرار بده.

این آیه را به دست هر فردی که از متاجر مهاجرت می‌کند بدهد می‌گوید حضرت زکریا از خداوند برای خود فرزندی خواست است که وارث او باشد زیرا از وارثان دیگر خود ترس داشت که ترس او به آنان برسد اکنون ترس او به چه علت بود، بعد توضیح داده خواهد شد.

صحنی واضح و روشن "برشتی همان ارث مال است این مطلب به آن صحنی است که این لفظ در غیر وراثت طالی مانند وراثت علم و نبوت اصلاً به کار نمی‌رود. بلکه مقصود این است که تا فرینه قطعی بر صحنی دوم نباشد، مقصود از آن، ارث مال خواهد بود نه علم و نبوت!

اکنون فراتر می‌رویم تا ببینیم که مقصودار "برشتی" و "برث من آل یعقوب" وراثت در مال است، نه وراثت در نبوت و علم، با آن آور می‌شویم

۱- لفظ "برشتی" و "برث" ظهور در این دارند که مقصود همان وراثت در مال

۱- مورد دوم، مربوط به وراثت سلطان از داود است که در سوره نحل آیه ۱۶ وارد شده است.

است، به غیر آن، و تا دلیل قطعی بر خلاف آن در دست نیافت، سعی نوان از ظهور آن دست برداشت. شما اگر مجموع منتقات این لغظ را در قرآن مورد دقت قرار دهید خواهید دید که این لفظ در تمام قرآن (حر موردی که در یاقوتی به آن اشاره شده است) درباره وراثت در اموال به کار رفته است پس این خود دلیل بر این است که این لفظ را باید بر همان معنی «میراث» حمل نمود.

۲- نبوت و رسالت، فی الجمله است که به دنبال یک رشته ملکات و صفات آنها و فداکاریها، نصب انسان‌های برتر می‌گردد و این مبض، بی‌ملاک به کسی داده نمی‌شود. بنابراین نبوت و رسالت قابل وراثت نیست بلکه در گرو ملاکاتی است که در صورت فقدان هرگز به کسی داده نمی‌شود ولی فرزند خود پیامبر باشد.

بنابراین، رسالت و نبوت، قابل وراثت نیست که او از خدا درخواست فرزند کند که وراثت نبوت و رسالت او باشد. در صورتی که این دو موضوع از لغو وراثت بیرون است و همچنانکه خدا در آیه زیر فرموده است. قابل توبیت نیست که حضرت زکریا آن را از خدا بخواهد زیرا حدامی فرماید الله اعلم حیت یجعل رسالته (سوره انعام آیه ۱۲۴) خداوند دانا است که رسالت خود را در کجا قرار دهد.

۳- حضرت زکریا به تنها از خدا فرزند خواست، بلکه از خداوند خواست که وراثت او را پاک و پسنیده قرار دهد. اگر مقصود وراثت در مال باشد صحیح است که حضرت زکریا در حق او دعا کند که خداوند "اجله رضیا" او را پسنیده قرار دهد زیرا چه بسا وراثت مال ممکن است فرد غیر سالم باشد ولی اگر مقصود وراثت نبوت و رسالت باشد، چنین دعائی صحیح خواهد بود و بسان این می‌باشد که ما از خدا بخواهیم برای سطفتای پیامبر بفرستد و او را پاک و پسنیده قرار دهد زیرا یک چنین دعا درباره وراثتی که از جانب خدا به مقام رسالت و نبوت خواهد رسید، لغو خواهد بود.

۴- حضرت زکریا بر مقام دعا با آور می‌خود که من از (موالی) و پسر عموهای خویش خائفم و ترس دارم. از این جهت، برای من فرزند ی چنین و چنان دعا فرما. اکنون باید دید خدا ترس زکریا چه بوده است؟ آیا او می‌ترسید که پیش از درگذشتن مقام نبوت و رسالت به چنین افراد نااهل برسد؟ از این جهت از خدا برای خود فرزند می‌خواست تا گفته پیدا است که این احتمال منتهی است، زیرا هرگز خدا مقام رسالت و نبوت را به افراد نا صالح عطا نمی‌کند تا او از این نظر ترس و واهمه ای داشته باشد.

بالتکه ترس او به خاطر این بود که پس از درگذشتن دین و آسین او متروک‌گشته و قوم او گزاینهای نامطلوبی پیدا کنند؟ اگر ترس او به این خاطر بود، یک چنین ترس، موضوعی ناشایست است، زیرا خداوند هیچگاه بندگان خود را از غیر هدایت محروم نساخته و پیوسته محتشایی برای آنان برمی‌انگیزد و آنان را رها نمی‌مازد.

علاوه بر این، هرگاه مقصود همین باشد در چنین موقع نباید درخواست فرزند کند بلکه کافی است که از خداوند بخواهد برای آنان پیامبرانی بفرستد، خواه از نسل او باشد خواه از دیگران تا آنان را از جهالت بازگشت به عهد جاهلیت نجات بخشد، خواه این فرد وراثت او باشد، یا نباشد. در صورتی که می‌بیشیم او روی وراثت نگیه می‌کند و می‌گوید هب لی من لدنک ولیا یزنی بارالها از جانب خود بمن فرزند بده تا وراثت من باشد.

کتاب علوم انسانی و مطالعات فقهی
رساله جامع علوم انسانی

برای من آیه مورد بحث دوبرش وجود دارد که برخی از دانشمندان اهل تشن به آن اشاره کرده اند، اینک هر دو سؤال و یا به عبارت دیگر هر دو اعتراض مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف - حضرت یحیی در زمان پدر

خود به مقام نبوت رسید ولی هرگز مالی را از او به ارث نبرد زیرا پیش از پدر خود شهید گردید بنابراین باید لفظ "یزنی" را به وراثت در نبوت تفسیر نمود، نه وراثت در مال.

پاسخ: این اعتراض در هر حال باید پاسخ داده شود. خواه بگوئیم مقصود وراثت در مال است خواه وراثت در نبوت، زیرا او همچنانکه از مال پدر چیزی به ارث نبرد، همچنین نبوت را از پدر به ارث نبرد چون مقصود از وراثت در نبوت این است که وی پس از درگذشت پدر به مقام نبوت نائل گردد.

بنابراین، اشکال متوجه بود و نظر در تفسیر آیه می‌باشد و مخصوص به تفسیر وراثت در اموال نیست و پاسخ آن این است که وراثت او جز "دعا" نبوده و بلکه تنهسا دعای او این بود که خداوند به او فرزندی پاک عطا کند و هدف از درخواست فرزند این بود که وی وراثت زکریا گردد، خداوند دعای او را مستجاب نمود، هر چند حضرت زکریا به هدف خود از این فرزند (وراثت) نائل نگردد.

توضیح اینکه در آیه‌های مورد بحث سه جمله آمده است
۱- فیبالی من لدنک ولیا فرزندی برای من عطا کن.
۲- یزنی و یث من آل یعقوب

(سوره آل عمران آیه ۳۸)

در این هنگام زکریا پروردگار خود را خواند و گفت پروردگارا مرا از جانب خویش فریبی پاکیزه عطا فرما تا بدانندگان خود را (شناختی).

همانطور که ملاحظه می فرمائید در این درخواست، وراثت جهنما نیست بلکه درخواست او بر "دریغی" خلاصه می گردد و در سوره بقره به جای "دریغ" لفظ "ولیا" و به جای "علیه" لفظ "رضا" به کار برده است.

سؤال دوم

در آیه یورد بحث فرزند زکریا آمده از دو پسر ارث می برد.

۱- خود زکریا ۲- خاندان یعقوب چنانکه می فرماید: «وَبِوَالِدَيْهِ إِسْرَافٌ» و وراثت از مجموع خاندان یعقوب-جروراثت بیوت غیر دیگری نمی تواند باشد.

پاسخ این سؤال نیز روشن است و در این کتاب نیز در باب وراثت آمده است که فرزند

بقیه در صفحه ۳۱

از من و از خاندان یعقوب ارث می برد.

۳- واحضه رب رضیاً پروردگارا او را پسندیده قرار بده.

در این سه جمله یاد شده اولی و سومی مورد درخواست بوده و من دعای حضرت زکریا را تشکیل می دهند یعنی او را خدا می خواست که فرزند پسندیده ای بسوی عطا کند، ولی هدف و عرض و باصطلاح علت نهایی برای این درخواست، ساله وراثت بوده است و وراثت جزء دعا نبوده است آنچه که از آن خدا می خواست جامه عمل پوشیده، هر چند هدف و عرض از روی مصالحی تأسی نگریده، یعنی فرزند وی پس از او باقی نماند که مال و یا نموده او را به وراثت می برد.

گواه روشن بر این که وراثت جزو دعا نبوده بلکه امیدی بود که بر درخواست او مترتب می گردید این است که متن دعاء و درخواست او در سوره دیگر به این شکل آمده است و در آن جا سخن از وراثت نیست بلکه دعا و وراثت هر دو در آنجا سبب می گردند دعا زکریا ربه قال رب هب لی من لدنک ذریه طیبه انک سمیع الدعاء.

۲- آری گاهی همین لفظ روی فریبه خاصی در ارث علم و دانش به کار می رود مانند: «مأورثنا الكتاب الذین استظفوا من عبادنا» (فاطر آیه ۳۲) این کتاب برای آن گروه از بندگان که برگزیده ایم به ارث دادیم.

باگفته شده است در این آیه لفظ "کتاب" فریبه روشن است که مقصود ارث مال نیست بلکه ارث آگاهی از حقایق قرآن است.

کوچک و بزرگی را دیدم که با صاحبان خود از کلاسهای درس خارج می‌شدند. در تلویزیونها و سینماها و سایر وسایل ارتباط جمعی، برای تاملوی شستشوی بدن، انواع بودر و اسپری نمیرکننده، وان حمام، وسایل مازی و غذای گربه و سگ تبلیغ زیادی می‌کنند. مقدار تبلیغاتی که برای غذای گربه و سگ می‌کنند بیش از میزان تبلیغاتی است که برای شیرخشک بچه می‌کنند.

طبق آمار، که منتشر شده آمریکائیا سالی ۷۰۰ میلیون دلار پول خوراکی گربه می‌دهند. (لاذآمار مربوط به خرج خوراکی سگ چندین برابر خرجی است که آمریکائیا برای خوراکی گربه می‌کنند.)

عوض، به داشتن حیوانات خانگی خصوصا بدمگ و گربه علاقه نشان می‌دهند آنها می‌کنند که بواسطه شرایط خاص زندگی خود، نمی‌توانند سگ و گربه نگهداری کنند و سگ و گربه پلاستیکی می‌خرند و از داشتن آنها، در خانه لذت می‌برند. نوع اخیر، خصوصا شامل خانوادهاهایی است که در آن، زن و شوهر در بیرون از خانه کار می‌کنند. تعداد کسانی که از سگ نگهداری می‌کنند به طرز محسوس و فوق‌العاده‌ای، بیشتر از کسانی است که از گربه و دیگر حیوانات نگهداری می‌کنند. آنها سگ را همیشه همراه دارند. در گردن‌بندها، در خیابانها، در مسافرت‌ها و حتی در دانشگاهها و در کلاسهای درس، من بارها در راهروهای دانشگاه، سگ‌های

بقیه،

آیا پیامبران از خود ارت نمی‌گذارند؟

زکریا و ابراهیم همه خاندان یعقوب باشد بلکه مقصود به قریبه لفظ "من" که به معنی بعضی است، این است که از بعضی از این خاندان ارت ببرد نه از همه، در صحابین مطلب کافی است که وی از مادر خود، و با فرد دیگر که از خاندان یعقوب می‌باشد ارت ببرد. حالا مقصود از این یعقوب، کیست، آیا همان یعقوب بن اسحاق و یا فرد دیگر است فعلا برای ما مطرح نیست.

بقیه قتل و تجاوز در جاده‌ها

شدت فعل به خرج دادن در زمینه مجازاتها کار آسانی است، ولی عکس‌العمل نشان دادن روی انگورها، روی اموری که طرفدار دارد، بالا اقل مسلم و روشفکری کاذب حرفی شده، کار ساده‌ای نیست و شجاعت بسیاری خواهد، امیدوارم با بیداری توده مردم، بوجداری آنها، این شجاعت و شجاعت نیز شریحا بر حقوق‌اندانی ما پیدا شود، و در کنار اندیشیدن روی مجازات‌ها روی علل تشکیل جرم نیز دقت کند.